

بن بست غرب گرایی: اول

اواسط قرن بیستم، اوج تبلیغ برنامه‌های مکتب نوسازی (مدرنیزاسیون) در جهان بود. بسیاری از کشورهای توسعه‌نیافته، مخصوصاً کشورهای آمریکای لاتین، تحت تأثیر این موج، الگوی پیشرفت خود را مبتنی بر برنامه‌های مدرنیزاسیون غربی بنا کردند. از نظر تئوری پردازان این مکتب، مقوله‌ی توسعه و پیشرفت کشورها، دارای نسخه‌ی واحدی است که هر کدام از کشورها، با انجام آن نسخه، می‌توانند مانند کشورهای غربی توسعه‌مند شوند. اما هنوز یک دهه از اجرای این نسخه در کشورهای آمریکای لاتین نمی‌گذشت که با وخیم شدن بیشتر اوضاع اقتصادی - اجتماعی این کشورها، شکست برنامه‌های این مکتب اعلام شده و راه‌حل‌های جایگزینی برای آن مطرح شد. عمده‌ی پرسش منتقدین این نظریه آن بود که چرا اساساً کشورهای مختلف جهان که دارای ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی مختلف، و با منابع و ظرفیت‌های مادی و معنوی گوناگونی هستند، از یک نسخه‌ی واحد برای پیشرفت استفاده کنند؟ آن هم نسخه‌ای که توسط کشورهای غربی که سابقه استعماری نیز داشته‌اند، برای آنها در نظر گرفته شده است.

حمایت از کالای ایرانی
تابلوساسی
انعکاس آخرین تحلیلهای و مواضع رسانه‌ها و جریانها
BASIRAT.IR

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه / سال پنجم / شماره ۶۵۰ / چهارشنبه ۱۳ تیر ۱۳۹۷

سیاست ارزی؛ ستیز پرهزینه یا همراهی واقع بینانه؟

خراسان: وقتی دولت در روزهای اوج تلاطم در بازار، تصمیم به تک نرخی کردن ارز گرفت گمان بر آن بود که حتماً پشتوانه‌ای قوی برای این تصمیم خود دارد. دولت یازدهم تلاش کرد نرخ ارز را تثبیت کند و از این محل تورم را در مقداری حداقلی حفظ کند. برخی کارشناسان معتقدند که در کشور نفتی ما، نرخ تعادلی و اصطلاحاً بازاری ارز چندان معتبر نیست اما کسی نیست که انکار کند تعدیل نرخ ارز بر اساس تفاوت تورم داخلی و خارجی، برای حفظ قدرت صادراتی لازم است. وقتی ما با سرکوب نرخ، تقاضا را افزایش، قدرت صادراتی را کاهش و فنر نرخ را فشرده کرده ایم، سفته‌بازان و بدخواهان می‌توانند با موج سواری، به مدد نیروی ذخیره شده در فنر، نرخ را تا جایی بسیار بالاتر از نرخ‌های تعادلی بالا ببرند؛ همان نرخ‌هایی که امروز در بازار هست. به ویژه آن که سیاست‌های سیاست‌گذار به طور مداوم شکست بخورد و به دلالت این سیگنال را بدهد که توان بالایی برای موج سواری دارند. تنها نتیجه این سیاست (بخوانید ستیزه‌بی حاصل با قواعد سخت) پهن کردن یک سفره بزرگ رانت خواری است.

تازه‌ترین ماموریت مدعیان اصلاحات ممانعت از اصلاح مسیر روحانی

کیهان: اگر رویکرد لفظی آقای روحانی با عملکرد او و دولتمردان نقض نگردد و در عمل تأیید شود، جریان انقلابی آماده بیشترین حمایت‌هاست. چرا که سرنوشت کشور و مقابله با شرارت دشمنان را مقدم بر اختلاف سلیق سیاسی می‌داند و اساساً همه دغدغه و نگرانی نیروهای انقلابی که آنها را تبدیل به منتقد کرده و به اعتراض واداشته، همین نقض عهدها و اصول و بی‌توجهی به مطالبات واقعی مردم و حاشیه‌سازی‌های بی‌مورد است. درعین حال اگر دولت به درستی به دنبال اصلاح مسیر است باید با طیف

توجیه‌کننده تسلیم در برابر آمریکا و غرب مرزبندی صریح داشته باشد چرا که فراطیون مدعی اصلاح‌طلبی خواهند کوشید با تحرکات خود یا هل دادن دولت به ارتکاب رفتارهای اعتمادسوز، دولت را در موضع اتهام و غیر قابل اعتماد بودن برای نظام و انقلابیون نگه دارند. موضوعی که حتی نیاز به گذشت زمان نداشت و فراطیون مدعیان اصلاحات خیلی زود در مواضع و نوشته‌های خود بر این نکته صحنه گذاشتند. آنان در مغالطه‌ای آشکار مدعی چرخش نیروهای انقلاب به سوی دولت شده‌اند و حال آنکه نیروهای انقلاب از اعلام تغییر مسیر دولت استقبال کرده و منتظر گام‌های عملی دولت هستند. برخی آشنایان دولت هم همچنان در تلاشند راه‌حل مشکلات کشور را به بیرون مرزها مرتبط کنند و در تلاشی مضحک برای القای مقابله اروپا با آمریکا به جهت مقابله با تحریم‌های ثانویه این کشور هستند! و در این مسیر حتی موج خروج شرکت‌های اروپایی از ایران و اظهاراتی شبیه به آنچه که امانوئل ماکرون رئیس‌جمهور فرانسه داشت که برای حفظ شرکت‌های اروپایی در ایران با آمریکا سرشاخ نمی‌شویم را هم نادیده می‌گیرند! مدعیان اصلاح‌طلبی برآنند که به جای قرار گرفتن در جایگاه پاسخگویی و یا دست‌کم عذرخواهی از مردم به خاطر وعده‌های دروغ و تحمیل مشکلات معیشتی گسترده فشار روانی را به روحانی سنگین کنند تا به واسطه حاشیه‌سازی جدید در دولت، مجدداً دوقطبی‌های سیاسی گمراه‌کننده احیا شود و بدین ترتیب با ممانعت از اصلاح مسیر دولت از یک سو، سراب بودن رونق اقتصادی از طریق توافق با شیطان بزرگ کتمان شود و فضای سیاسی برای تحرکات رادیکال‌تر همین فراطیون مدعی فراهم شود.

خواب شوم ترامپ برای عربستان / آیا پایان توافق کوئینسی نزدیک است؟

قدس: بسیاری از کارشناسان معتقدند عربستان سعودی چنانچه با «دستور ترامپ» مبنی بر افزایش میزان تولید هم موافقت کرده باشد، توان تولید این مقدار نفت در روز را ندارد و افزایش تولید این مقدار از نفت، حداقل یک سال زمان نیاز دارد. معادله آمریکا بر این مبناست که خروج از توافق هسته‌ای هزینه سنگینی را برای این کشور به بار آورده و سعودی‌ها باید از طریق افزایش تولید نفت این هزینه را جبران کند. آنگونه که گزارش‌ها حکایت دارد، ریاض در مقابل این تصمیم تسلیم شده است. ولی با این وجود، تمایل شدید ترامپ برای پرداخت بهای مواضعش مقابل ایران از سوی دیگران و معرفی این کشور به عنوان دشمن کشورهای منطقه، ممکن است به واقعیتی کاملاً متفاوت بیانجامد؛ زیرا همانطور که ایران نیز تأکید کرده است ممکن است اجرای این دستور ترامپ، به قیمت اخراج عربستان از سازمان "اوپک" تمام

شود که نتیجه آن ایجاد بی‌ثباتی و تنش در بازار نفت خواهد بود. این در حالی است که گزارش‌ها تأکید می‌کنند چنانچه این اتفاق رخ دهد، عربستان بزرگترین زیان را متحمل خواهد شد و آمریکا که به بهانه حمایت از این کشور، آن را به منجلا بکشانده است، وارد مرحله تولید نفت صخره‌ای شده و رژیم آل سعود را به حال خود واگذارد که در این صورت، توافق موسوم به «کوئینسی» (به دلیل اینکه این توافق بر روی عرشه ناو یواس اس کوئینسی به دست آمد) میان عبدالعزیز آل سعود بنیانگذار حکومت آل سعود و فرانکلین روزولت در سال ۱۹۴۵ میلادی برای حمایت ویژه آمریکا از عربستان، خاتمه خواهد یافت و "ترامپ" از یکی دیگر از توافقی‌نامه‌های آمریکا با دیگر کشورها خارج می‌شود. توافق "کوئینسی" که به معادله نفت در برابر امنیت نیز موسوم است به منظور حمایت بی‌قید و شرط آمریکا از خاندان حاکم آل سعود در مقابل تضمین نیازهای انرژی ایالات متحده آمریکا منعقد شده است.

مذاکره خارجی، اتحاد داخلی

ایران: حضور روحانی در سوئیس و اتریش می‌تواند مشکلاتی را که با خروج آمریکا در برجام ایجاد شده است در مسیر حل و فصل قرار دهد. تا اینجا اروپا در لفظ اعلام کرده که به دنبال آمریکا از برجام خارج نخواهد شد. سیاست ما باید تقویت این دیدگاه در اتحادیه اروپا باشد. اتریش و سوئیس دو بازیگر تأثیرگذار عرصه سیاسی و اقتصادی اروپا هستند و مهم‌تر از آن اینکه ریاست این اتحادیه در دوره اخیر برعهده اتریش است. سفر روحانی به این دو کشور یک اقدام واجب است. درک موقعیت فعلی و شرایط این سفر می‌تواند آن را به یکی از نقاط عطف شرایط پس از برجام بدون آمریکا تبدیل کند. بسیاری از بازیگران بین‌المللی نیز از تقویت دیپلماسی و باز ماندن باب گفت‌وگو با ایران استقبال می‌کنند. استفاده از ظرفیت‌ها و اقدامات دیپلماتیک سازنده‌ای مانند سفر اخیر رئیس جمهوری به اروپا اما خود مستلزم فراهم آوردن زیرساخت‌هایی در داخل کشور است. بدون این زیرساخت‌ها تلاش‌های دیپلماتیکی که جریان دارند بازتابی در مقام نتیجه عملی نخواهند داشت. مهم‌ترین این مسائل داشتن وحدت در داخل است. این نه به معنای نفی انتقاد است و نه به معنای کنار گذاشتن رقابت‌های سیاسی و پذیرش تکثر در حوزه‌های مختلف. معنای این وحدت رعایت حدود رقابت در چارچوب منافع ملی و پرهیز از جدال‌های تنش‌آفرین در سطح جامعه است. چنین نگاهی به موقعیت کشور زمینه همکاری مطلوب برای حل مشکلات را از بین برده و در عمل همه تلاش‌ها و از جمله تلاش‌های دیپلماتیک را بی‌اثر می‌کند.

شکست خوردگان الحديده به دنبال تجديد نفس

جوان: با توقف موقت حملات تجاوزگرانه عربستان به الحديده، این سؤال مطرح است که آیا این کماکان ادامه خواهد یافت یا اینکه دوباره از سرگرفته خواهد شد؟ دولت‌های اشغالگر سعودی و اماراتی اکنون نیروی تازه‌نفس جدیدی در اختیار ندارند که تهدید جدید امارات را موجه نشان دهد، به‌خصوص آنکه این امکان وجود دارد که در صورت ادامه این تهدیدها و از سرگیری حملات به الحديده، نیروهای مدافع یمنی نیز تهدید قبلی‌شان را عملی کنند و ابوظبی را مورد حملات موشکی خود قرار دهند. اما برخی نشانه‌ها به‌خصوص در سطح منطقه وجود دارد که امکان عملی کردن تهدید امارات را به حملات جدید و حتی شدیدتر از قبل جدی نشان می‌دهد. یکی از این نشانه‌های مهم این است که اکنون رژیم صهیونیستی خود را در دو جبهه غزه و جولان در معرض تهدید می‌بیند و به جنگ در این دو جبهه می‌اندیشد. بر این اساس در صورتی که این رژیم گزینه جنگ را در دستور کار خود قرار دهد با توجه به هماهنگی‌هایی که از ابتدای جنگ یمن بین عربستان، امارات و رژیم صهیونیستی وجود داشته و در طرح موسوم به معامله قرن نیز در کنار هم هستند، این احتمال وجود دارد که عربستان و امارات نیز دوباره به‌رغم شکست نظامی اخیر در الحديده به فکر اشغال این بندر بیفتند و راهبرد اشغال سوخته را این‌بار شدیدتر از گذشته در دستور کار خود قرار دهند. آنچه این احتمال را تقویت می‌کند، این است که این دو کشور تجاوزگر به چیزی جز اشغال یمن و تقسیم آن بین خود در چارچوب معامله یا همان توطئه قرن نمی‌اندیشند. همین مسئله است که موجب شده تلاش سیاسی نمایندگان سازمان ملل و طرح‌های پیشنهادی آن‌ها یکی پس از دیگری به شکست بینجامد و بعد از مدتی تحت فشارهای عربستان و امارات از مقام خود برکنار شوند.

